



University of Tabriz

# Contemporary Comparative Legal Studies

Online ISSN: 2821-0514

Volume: 14 Issue: 31  
Summer 2023

Article Type: Research Article

Pages: 255-285

## Differential Procedure of Child Victims in the Pre-trial Stage

Vahid Nekoonam<sup>1✉</sup>

1. Assistant Professor of Hazrat Masoumeh University, Qom, Iran      vahid.nekoonam@gmail.com

### Abstract

*Victimization of children and adolescents is one of the problems of today's world, and the physical and mental conditions of children, their vulnerability and the multitude of cases of child abuse justify the existence of a special judicial system for this group. Until a few decades ago, there were few guidelines in international documents regarding the differential proceedings of delinquent children, and the focus was on delinquency of children, but in the last two decades, under the influence of criminological perspectives and the efforts of civil institutions, this matter has been the focus of legal circles and documents. Despite the approval of the Child and Adolescent Protection Law in 1381 and the Criminal Procedure Law in 1392, Iranian law has not included this issue in the legislative field and has not taken into account the characteristics of differential proceedings. This article has been written in a descriptive-analytical method with the aim of examining the main components of differential proceedings of child victims in the pre-trial stage in Iranian law. In this regard, while explaining the characteristics of the subject, the current situation is examined and the desired situation is explained by looking at international documents. According to the research findings, despite the efforts of the legislator in the Law on the Protection of Children and Adolescents approved in 1399, shortcomings in this area are still observed.*

**Keywords:** *Differential procedure, Pre-trial, Child, Victim.*

Received: 2022/04/25    Received in revised form: 2022/10/14    Accepted: 2022/11/07    Published: 2023/06/26

DOI: 10.22034/LAW.2022.51286.3123

Publisher: University of Tabriz

Tabrizulaw@gmail.com



## دادرسی افتراقی اطفال بزه‌دیده در مرحله پیش‌محاکمه

وحید نکونام<sup>۱</sup>

vahid.nekoonam@gmail.com

۱. استادیار دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران

### چکیده

بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان از مسائل مبتلابه دنیای کنونی است. شرایط جسمی و روحی کودکان، آسیب‌پذیری آنان و کثرت موارد کودک‌آزاری، وجود نظام دادرسی ویژه‌ای را برای این قشر موجه می‌سازد. در اسناد بین‌المللی تا چند دهه قبل رهنمودهای اندکی در خصوص دادرسی افتراقی کودکان بزه‌دیده وجود داشت و تمرکز بر بزهکاری کودکان بود، لکن در دو دهه اخیر تحت تأثیر دیدگاه‌های جرم‌شناختی و نیز تلاش‌های نهادهای مدنی این امر مورد توجه محافل حقوقی و اسناد بین‌المللی قرار گرفته است. حقوق ایران با تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، این موضوع را در عرصه قانون‌گذاری وارد کرده، ولی شاخصه‌های دادرسی افتراقی را مورد توجه قرار نداده است. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی با هدف بررسی مؤلفه‌های اصلی دادرسی افتراقی کودکان بزه‌دیده در مرحله پیش‌محاکمه در حقوق ایران به‌رشته تحریر درآمده است. در این راستا ضمن تبیین شاخصه‌های موضوع، شرایط موجود بررسی و با نگاهی به اسناد بین‌المللی وضعیت مطلوب تبیین می‌گردد. بر اساس یافته‌های پژوهش، به‌رغم تلاش‌های قانون‌گذار در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، همچنان نقایصی در این عرصه ملاحظه می‌شود.

**واژگان کلیدی:** اطفال و نوجوانان، بزه‌دیده، پیش‌محاکمه، دادرسی افتراقی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۷/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۶ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۰۵

DOI: 10.22034/LAW.2022.51286.3123

Tabrizulaw@gmail.com

ناشر: دانشگاه تبریز

## مقدمه

حقوق کیفری بر پایه انگاره‌هایی بنیان نهاده شده است که مطلق و غیرقابل انعطاف نیستند و در بیشتر موارد تحولات بشری در آنها تغییر ایجاد می‌نماید. با پیدایش جنبش‌های جهانی حقوق بشر و ظهور نسل سوم آن، ارزش‌های جدیدی چون حمایت از محیط زیست و فضای سایبر و... مورد توجه حقوق کیفری قرار گرفته است. از سوی دیگر جنبش‌های حمایت از بزه‌دیده سبب شد تا حقوق و منافع آنان نیز به‌طور خاص در فرایند دادرسی پررنگ گردد. پاراگراف چهارم اعلامیه اصول بنیادین عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت مقرر می‌دارد: رفتار با بزه‌دیدگان باید همراه با احساس همدردی و احترام به کرامت انسانی باشد. دادرسی کیفری نیز تحت تأثیر این متغیرهای نوپدید دچار دگرگونی شده است. مقوله افتراقی‌سازی ناظر به همین رویکرد تحولی حقوق است که از سیاست جنایی افتراقی نشئت می‌گیرد. در برخی شرایط وجود گزاره‌های خاص از جمله نوع جرم ارتكابی، شخصیت مرتکب یا بزه‌کار توجیه‌گر تدوین فرایندی متفاوت در مقایسه با قواعد عمومی در رسیدگی به برخی جرایم است. این امر که اصطلاحاً افتراقی‌سازی دادرسی کیفری نامیده می‌شود راهبردی است که در دهه‌های اخیر با تأثیرپذیری از علم جرم‌شناسی در نوع رسیدگی به جرایم شکل گرفته است.

کودکان به‌عنوان قشر آسیب‌پذیر جامعه که سالیانه صدها هزار نفر از آنها بزه‌دیده واقع می‌شوند نیازمند حمایت همه‌جانبه هستند. فرایند رسیدگی‌های قضایی نیز ویژگی آسیب‌پذیری آنان را دوچندان نموده، حتی می‌تواند سبب بزه‌دیدگی ثانویه گردد. اسنادی بین‌المللی استلزامات و اصولی را در خصوص بزه‌دیدگی کودکان پیش‌بینی کرده و کشورهای عضو را به اتخاذ این تدابیر ملزم نموده است. توجه به این مقوله ضمن به‌حداقل رساندن آسیب‌های کودک در فرایند دادرسی، افشا و گزارش موارد بزه‌دیدگی را از سوی کودکان دوچندان می‌سازد؛ چراکه کودک با اعتماد به سیستم عدالت کیفری، می‌تواند حقوق خود را بهتر مطالبه کند.

با این توصیف، سؤال اصلی این پژوهش آن است که حقوق ایران تا چه میزان به مقوله افتراقی‌سازی دادرسی نسبت به کودکان بزه‌دیده در مرحله پیش‌محاکمه نظر داشته و وضع مطلوب در این خصوص چگونه است؟

در راستای پاسخ به این پرسش، ضمن تبیین مصادیق دادرسی افتراقی کودکان در مرحله پیش‌محاکمه به تطبیق موضوع با اسناد بین‌المللی می‌پردازیم. انحصار این مقاله به مرحله پیش‌محاکمه نافی اهمیت حقوق کودک بزه‌دیده در مرحله محاکمه نیست و افتراقی‌سازی در مرحله محاکمه با موضوعاتی چون ویژگی‌های قاضی رسیدگی‌کننده و نوع رفتارهای وی، صلاحیت دادگاه، اصل سرعت در رسیدگی و غیرعلنی بودن محاکمه، حضور وکیل و حامی، نحوه مشارکت کودک در فرایند رسیدگی و ... بروز و ظهور می‌یابد. البته ورود به این حوزه بحث مبسوط و مستقلی را می‌طلبد که از رسالت این مقاله خارج است.

نکته‌ای که اهمیت پرداختن به این موضوع را دوجندان می‌سازد عدم سابقه پژوهش در این عرصه است؛ زیرا هرچند در خصوص دادرسی افتراقی مطالبی به‌رشته تحریر درآمده، لیکن با توجه به تحولات صورت‌گرفته در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹ و نیز لایحه پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، این موضوع کمتر مورد توجه محققان بوده است.

## ۱. اهمیت دادرسی کیفری افتراقی اطفال بزه‌دیدگی

تحولات حقوق کیفری نمایانگر انقطاع از اخلاق‌گرایی سنتی و روی‌آوری به ابزارگرایی حقوقی و عقلانیت است؛<sup>۱</sup> یعنی برخلاف دیدگاه‌های کلاسیک که متمرکز بر رفتار مجرمانه بود، رویکرد حقوق کیفری شکلی و ماهوی به سمت توجه به بزه‌دیده و بزهکار معطوف گردید. یکی از جلوه‌های این امر، افتراقی‌سازی سیاست جنایی است که در دادرسی کیفری نیز نمود یافته است.

افتراقی شدن دادرسی ناظر به تشدید و تفرق آیین دادرسی کیفری است. در افتراقی شدن با مقررات دادرسی کیفری روبرو هستیم که جزیره‌ای و نامتجانس است.<sup>۲</sup> البته این بیان به معنای غیرمنطقی بودن رویکرد افتراقی نیست، بلکه به این معناست که به اعتبار

1. Peter Bal, *Discourse Ethics and Human Rights in Criminal Procedure*, in Habermas, *Modernity and Law*, Edited by Mathieu Deflem, sage Publication, 1996, p. 71.

۲. حسین نجفی ابرنآبادی، درباره سیاست جنایی افتراقی، دیپاچه بر کریستین لازرژ، درآمدی بر سیاست جنایی، (تهران: نشر میزان، چ ۱، ۱۳۹۲)، ص ۶۱

نوع جرم، شخصیت مرتکب و... شیوه متفاوتی نسبت به دادرسی عمومی اتخاذ می‌شود.<sup>۳</sup> بر اساس مطالعات جرم‌شناسی، ایجاد نظام دادرسی افتراقی در خصوص برخی افراد و جرایم تأثیر بسزایی داشته است.

برخی نویسندگان افتراقی‌سازی را در دو شیوه متفاوت تشدید دادرسی برای جرایم شدید و دادرسی ساده برای جرایم متوسط خلاصه کرده‌اند<sup>۴</sup>، اما نامتجانس شدن دادرسی امری فراتر از این بوده، افتراقی‌سازی نهادها، تشکیلات و فرایندها را شامل می‌شود.

یکی از موارد افتراقی‌سازی که در نظام‌های حقوقی مختلف و نیز اسناد بین‌المللی مورد توجه و تأیید قرار گرفته، موضوع بزهدیدگی اطفال و نوجوانان است. افتراقی‌سازی در این موارد مصادیقی چون تأکید بر عدالت ترمیمی و میانجی‌گری، قضازدایی، جنبه عمومی بخشیدن به جرایم علیه اطفال را شامل می‌شود؛ چراکه دوران کودکی به دلیل شکل‌گیری شخصیت کودک از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و طبعاً اطفال به لحاظ سنی و روحی در برابر بزهدیدگی، آسیب‌پذیر هستند. مرحله پیش‌محاکمه حساس‌ترین مرحله رسیدگی کیفری است، زیرا اولاً در این مرحله تعامل کودک با سیستم عدالت کیفری به اعلی درجه خود می‌رسد و ثانیاً به دلیل اینکه نقطه ثقل اولیه ارتباط در این مرحله به وجود می‌آید نگرش کودک به مراجع کیفری تا انتهای رسیدگی در همین مرحله شکل می‌گیرد. کودک به دلیل آنکه درک درستی از شرایط پیرامونی ندارد نیاز به حمایت دارد و در صورت وقوع جرم نیز اگر دیدگاه مثبتی نسبت به سیستم قضایی نداشته باشد تمایلی به اعلام جرم و پیگیری موضوع نخواهد داشت و البته یکی از دلایل بالا رفتن رقم سیاه در بزهدیدگی کودکان نیز همین امر است. در حقوق ایران در سال‌های اخیر برعکس گذشته تا حدی به مقوله افتراقی‌سازی در این حوزه توجه شده است، لکن همچنان نقایصی در این زمینه ملاحظه می‌شود.

در قوانین ایران تا سال ۱۳۹۹ به موضوع افتراقی‌سازی دادرسی کودکان بزهدیده توجه

۳. حسنعلی مؤذن‌زادگان و همکاران، «کاربست آیین دادرسی کیفری افتراقی نسبت به اشخاص حقوقی»، پژوهش حقوق کیفری، ش ۲۹ (۱۳۹۸)، ص ۴۷.

۴. ریمون گسن، مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی، ترجمه مهدی کی‌نیا، (تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، چ ۱، ۱۳۷۰)، ص ۳۴۶.

چندانی نشده و حتی از نگاه قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ این امر مغفول مانده بود، با این حال، قانون حمایت از کودکان مصوب ۱۳۹۹ تا حدی این خلأ را جبران کرده است.

## ۲. مصادیق دادرسی کیفری افتراقی اطفال بزه‌دیده

در ادامه به مؤلفه‌های افتراقی‌سازی دادرسی اطفال بزه‌دیده در مرحله پیش‌محاکمه می‌پردازیم.

### ۲.۱. کشف جرم

در خصوص اینکه مرحله کشف جرم در زمره مراحل دادرسی قلمداد می‌شود یا خیر، دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است؛<sup>۵</sup> با این حال، ماده یک قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ این مرحله را در شمول قواعد دادرسی دانسته است. این رویکرد سبب می‌شود حقوق بزه‌دیده به‌عنوان کنشگر اصلی این مرحله مورد عنایت قرار گیرد. بین کشف جرم با مؤلفه‌هایی چون سن بزه‌دیده، جنسیت وی، نوع و انگیزه جرم رابطه وجود دارد.<sup>۶</sup> جرایم علیه اطفال در زمره جرایمی است که رقم سیاه در آن بالاست و کوه یخی را می‌ماند که تنها نقطه اوج، خود را بر دیگران مکشوف می‌دارد و ارقام سیاه این بزهکاری را در اعماق خویش مدفون می‌کند.<sup>۷</sup> رقم بالای عدم کشف بزه‌دیدگی کودکان آنها را در زمره قربانیان خاموش یا رنج‌دیدگان در سکوت<sup>۸</sup> قرار داده است. دلایل این امر را می‌توان در چند بند خلاصه نمود:

- در بسیاری موارد، جرم از سوی اعضای خانواده به‌وقوع می‌پیوندد و لذا کودک تمایلی به افشای آن ندارد، خاصه آنکه گاه ترس از انتقام‌گیری نیز<sup>۹</sup> مطرح می‌شود.
- موضوع Dirty Hands یعنی امکان تعقیب بزه‌دیده به جهت مشارکت در فعالیت

۵. محمود آخوندی، آیین دادرسی کیفری: کلیات و دعاوی ناشی از جرم، (تهران: نشر دوران‌دیشان، چ ۱۷، ۱۳۹۴)، ص ۴۰.

6. Lisa Bunting, "Invisible Victims: Recorded Crime and Children in the UK", *Journal: Child Abuse Review*, Vol. 23, Issue 3, (2014), p. 16.

۷. سعید قهفرخی و امیرحمزه زینالی، آسیب‌شناسی حقوق کودکان در ایران (با تأکید بر کودک‌آزاری)، (تهران: نشر میزان، چ ۱، ۱۳۹۰)، ص ۲۴۵.

8. Suffering in Silence.

9. Stephen Brown, et al, *Criminology, Explaining Crime and its Context*, (Anderson Publishing, Seventh Edition, 2010), p. 71.

مجرمانه یکی دیگر از موانع تعقیب است.<sup>۱۰</sup> در این موارد، بزهدکار وانمود می‌کند که کودک در صورت افشای جرم، مسئول خواهد بود.

- کودکان به دلیل شرایط جسمی و روانی خاص، گاه توانایی و درک شکایت و پیگیری حقوقی موضوع بزهدیدگی را ندارند و یا به همین دلایل نمی‌توانند ارزیابی درستی از محاسن مراجعه به مراجع قضایی داشته باشند.

این عوامل سبب می‌شود اسناد بین‌المللی به شیوه‌های مختلف به تسهیل موضوع طرح شکایت از سوی کودکان بزهدیده توصیه نمایند. کمیته حقوق کودک مجمع عمومی سازمان ملل که بر اجرای کنوانسیون حقوق کودک و پروتکل‌های اختیاری آن نظارت دارد در ۱۹ دسامبر ۲۰۱۱، پروتکل اختیاری سومی را در مورد آیین مکاتبات تصویب کرد که به کودکان اجازه می‌دهد شخصاً شکایات خود در مورد تجاوزات خاصی که نسبت به حقوق آنان صورت می‌گیرد به استناد کنوانسیون حقوق کودک و پروتکل اختیاری آن تسلیم کنند.<sup>۱۱</sup>

قانون‌گذار در ماده ۶۶ ق.آ.د.ک جهات شروع به تعقیب را که فرع بر کشف جرم است، شامل شکایت شاکی، اعلام و اخبار افراد ثالث و گزارش‌دهی آنان، اظهار و اقرار متهم، وقوع جرم مشهود در برابر دادستان و بازپرس و اطلاع مقام تعقیب به روش‌های قانونی دیگر دانسته است. در خصوص بزهدیدگی کودکان و نوجوانان امکان اعلام جرم از سوی کودکان با توجه به مانع قانونی سن آنان و نیز گزارش‌دهی جرایم علیه اطفال و نوجوانان اهمیت بیشتری دارد.

در موضوع اعلام جرم از سوی کودک به جهت آنکه وی شرایط عامه تکلیف را ندارد طرح شکایت از سوی او با مانع مواجه است. به همین جهت برخی فقها بیان داشته‌اند: اگر بچه ممیز تظلمش را نزد قاضی ببرد پس اگر ولی داشته باشد او را جهت طرح دعوی احضار می‌کنند وگرنه قیمی را برایش منصوب می‌نمایند.<sup>۱۲</sup> ماده ۷۰ آ.د.ک در این راستا تأکید

10. De wijze, Stephen, *Punishing 'Dirty Hands'*, *Ethical Theory and Moral Practice*, Vol. 16, No. 4, 2013, p. 124.

۱۱. مریم محمدی نوقی‌زاده و همکاران، «سازکارهای اخلاقی در حمایت از رنج‌دیدگان در سکوت با رویکرد کاهش رقم سیاه جرایم علیه اطفال»، *پژوهش‌های اخلاقی*، ش ۳۹ (۱۳۹۹)، ص ۲۲۲.

۱۲. روح‌الله خمینی، *تحریر الوسیله*، ج ۱، (قم: مؤسسه دارالعلم، ج ۱، بی‌تا)، ص ۴۱۰.

می‌کند، در صورت در دسترس نبودن یا عدم حضور و یا سایر موانع، دادستان شخصی را به‌عنوان قیّم موقت تعیین و یا خود امر کیفری را تعقیب می‌کند. این سازوکار تا حدی مشکل طرح شکایت را برطرف می‌سازد، لیکن در برخی موارد، خاصه در فرض ارتکاب جرم از جانب خود این افراد پاسخگو نخواهد بود؛ به همین جهت قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در ماده ۳۰ در اقدامی شایسته تقاضای طفل یا نوجوان را به‌عنوان یکی از جهات شروع به تعقیب به‌رسمیت شناخته است. البته این امر به‌تنهایی کافی به مقصود نیست و علاوه بر لزوم پیش‌بینی روش‌های دیگر تعقیب مرتکبان چنین جرایمی، تسهیل دسترسی کودکان به سیستم عدالت کیفری از راه‌هایی چون اعلام جرم به‌وسیله سامانه‌های الکترونیکی، فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی به کودکان در خصوص حقوق قانونی‌شان مهم تلقی می‌شود.

راهکار دیگری که در مرحله کشف جرم به کاهش رقم سیاه کمک می‌کند جنبه عمومی دادن به جرایم علیه کودکان است. ماده ۳۱ قانون حمایت تأکید نموده است که تمام جرایم موضوع این قانون جنبه عمومی داشته، بدون شکایت شاکی خصوصی قابل تعقیب است و در صورت گذشت شاکی خصوصی تعقیب موقوف نخواهد شد. در جرایم قابل گذشت، مقامات تعقیب و تحقیق تا زمانی که شاکی خصوصی تعقیب متهم را نخواهد، نمی‌توانند هیچ‌گونه اقدامی انجام دهند، لکن در صورتی که جرم وصف عمومی داشته باشد به محض اطلاع، مقامات ذی‌صلاح اقدامات تعقیبی را انجام خواهند داد.

## ۲.۲. الزام به گزارش دهی

رویکرد جامعه با معضل بزه‌دیدگی با تفکرات ایدئولوژیک حاکم بر آن جامعه رابطه مستقیم دارد. در جوامع غربی که دیدگاه لیبرالیستی حاکم است ورود به حوزه خصوصی افراد که بزه‌دیدگی کودکان بیشتر در آن حوزه اتفاق می‌افتد کمتر است و لذا گزارش دهی کاهش می‌یابد؛ به همین دلیل بهره‌کشی و کودک‌آزاری در اروپا افزایش چشمگیری یافته است.<sup>۱۳</sup> لیکن در برخی جرایم عمومی مثل جرایم علیه محیط زیست اعلام جرم افزایش می‌یابد؛ این

13. Louis jean. "adoption d'une conversion international sur Les droits de L'enfant", *revue du droit public*, No. 2 (1990), p. 442.



درحالی است که در جوامع دینی حساسیت‌ها نسبت به اعلام بزهدیدگی کودکان بیشتر است. با این حال، به‌طور کلی روند اعلام جرم از سوی اعضای جامعه در دهه‌های اخیر کاهش یافته که یکی از مهم‌ترین دلایل آن در ادبیات دورکیم حرکت توده مردم به سمت «جوامع ارگانیک» است.<sup>۱۴</sup> در این جوامع اهداف فردگرایانه پررنگ شده، تکثر ارزش‌ها اتفاق می‌افتد؛ لذا اگر جامعه بخواهد همبستگی بیشتری بین افراد پدید آورد و مشوق همکاری و تعاون جمعی باشد می‌تواند اعمالی را در قالب مواد قوانین جزایی به صورت وظایف معین پیش‌بینی کند و در این صورت جامعه به نتایج مثبت همکاری و جلوگیری از بی‌قیدی و عدم توجه افراد به منافع و خواسته‌های سایر انسان‌ها نائل می‌شود.<sup>۱۵</sup> در حقوق ایران قانون‌گذار برای جبران مشکل گزارش‌دهی در جرایم، تکلیف به گزارش‌دهی را نسبت به مقامات و اشخاص رسمی در ماده ۷۱ ق.آ.د.ک<sup>۱۶</sup> پیش‌بینی نمود و البته در برخی جرایم، مستند به ماده ۶۰۶ ق.م.ا، عدم گزارش‌دهی نه‌تنها تخلف است، بلکه با ضمانت اجرای کیفری توأم خواهد بود. این جرایم منحصر به برخی موارد مثل ارتشا، تصرف عدوانی و اختلاس است؛ لذا جای خالی موضوع بزهدیدگی اطفال در این قوانین ملاحظه می‌شود. ماده ۱۷ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان این خلأ را پر نمود. بر اساس این ماده، هرکس از وقوع جرم یا شروع به آن یا خطر شدید و قریب‌الوقوع علیه طفل یا نوجوانی مطلع بوده یا شاهد وقوع آن باشد و با وجود توانایی اعلام و گزارش به مقامات یا مراجع صلاحیت‌دار و کمک طلبیدن از آنها از این امر خودداری ورزد یا در صورت عدم دسترسی به این مقامات و مراجع و یا عدم تأثیر دخالت آنها در رفع تجاوز و خطر، از اقدامات فوری و متناسب برای جلوگیری از وقوع خطر و یا تشدید نتیجه آن امتناع کند، مشروط بر اینکه با این اقدام، خطری مشابه یا شدیدتر و یا خطر کمتر قابل‌توجهی متوجه خود او یا دیگران نشود، به یکی از مجازات‌های درجه شش قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود.

۱۴. فرانک ولیامز و ماری لین دی مک شین، *نظریه‌های جرم‌شناسی*، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، (تهران: نشر میزان، چ ۱، ۱۳۸۶)، ص ۱۰۶.

۱۵. پرویز صانعی، *حقوق جزای عمومی*، (تهران: طرح نو، چ ۱، ۱۳۸۲)، ص ۳۲۱.

۱۶. ماده ۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری: هرگاه مقامات و اشخاص رسمی از وقوع یکی از جرایم غیرقابل‌گذشت در حوزه کاری خود مطلع شوند، مکلفند موضوع را فوری به دادستان اطلاع دهند.

در تبصره ماده پیش گفته نیز نسبت به افرادی که حسب وظیفه شغلی مکلف به اعلام، گزارش یا کمک می‌باشند و یا به اقتضای حرفه خود می‌توانند کمک مؤثری کنند و از این کار استنکاف نمایند، مجازات شدیدتری در نظر گرفته شده است.

این ماده برعکس ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ گزارش‌دهی را تنها منحصر به افراد و مؤسسات و مراکزی که به نحوی مسئولیت نگهداری و سرپرستی کودکان را برعهده دارند نکرده است، بلکه همه افراد در این عرصه وظیفه گزارش‌دهی دارند؛ از سوی دیگر این اعلام منحصر به مقامات قضایی نشده است بلکه شامل تمامی مراجع صلاحیت‌دار از جمله پلیس و سازمان بهزیستی هم می‌شود. همچنین الزام به گزارش‌دهی منوط به مشاهده موضوع نیست، بلکه اطلاع افراد از هر طریق را دربر می‌گیرد. نهایت آنکه تعیین مجازات شدیدتر در مقایسه با قانون سابق جلوه‌ای از سیاست کیفری سخت‌گیرانه‌تر است که به نوعی در چارچوب رویکرد افتراقی قابل توجیه می‌باشد.

این رویکرد مطابق اسناد بین‌المللی و حقوق برخی کشورهاست. قانون‌گذار فرانسه در سال ۱۳۹۲ جرم اخفای جرایم علیه کودکان را پیش‌بینی نمود.<sup>۱۷</sup> پیمان‌نامه حمایت از کودکان علیه بدرفتاری مصوب ۱۹۷۹ شورای اروپا<sup>۱۸</sup> در بندهای a, b, c از بخش دوم سند، ضمن تأکید بر گزارش‌دهی بزه‌دیدگی کودکان، آگاهی و تشویق عموم مردم را در این راستا مورد اشاره قرار داده است. در ماده ۱۴ قانون نمونه مرکز بین‌المللی حمایت از کودکان استثمار و مفقودشده مصوب ۱۹۲۰-۱۳ نیز تأکید شده است: هر فردی که در حین انجام مراقبت از کودک از موقعیت یا عملی آگاه شود که در زمره بی‌توجهی، سوءاستفاده، بدرفتاری و استثمار کودک تلقی می‌شود بدون در نظر گرفتن هر الزامی باید بی‌درنگ موضوع را به پلیس یا هر مقام داخلی صلاحیت‌دار دیگر گزارش دهد.

بنابراین، الزام افراد به گزارش‌دهی بزه‌دیدگی اطفال و متعاقب آن جرم‌انگاری این

۱۷. ژان بوریگان، «اطفال بزه‌کار و بزه‌دیده در حقوق فرانسه»، مجله دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۲ (۱۳۸۱)، ص ۶۴.

18. Council of Europe, Committee of Ministers, Concerning the Protection of Children Against Ill Treatment, 1979.

19. Child Protection Model Law, Best Practices: Protection of Children from Neglect, Abuse, Maltreatment, and Exploitation, January 2013.

موضوع در قانون حمایت، جلوه دیگری از رویکرد افتراقی به جرایم علیه اطفال و حمایت از اطفال و نوجوانان در حقوق کیفری ایران است.

### ۳.۲. حضور حامی در تحقیقات

با گسترش بزه‌دیده‌شناسی علمی و همزمان با آن، تحت تأثیر جنبش‌های ایدئولوژیکی<sup>۲۰</sup> رویکرد حمایتی از بزه‌دیدگان به‌ویژه اطفال مورد عنایت قرار گرفته است. یکی از ابعاد این حمایت، بحث حامی است. در اسناد بین‌المللی از جمله رهنمودهای سازمان ملل در خصوص اطفال بزه‌دیده، حضور شخص حامی در جریان رسیدگی به امر بزه‌دیدگی کودکان به رسمیت شناخته شده است. قسمت B ماده ۹، ماده ۲۴ و قسمت B ماده ۲۵ با عبارت Support Person به این نکته اشاره دارد. بر این اساس، فرد حامی کسی است که در جریان بزه‌دیدگی کودک از شروع گزارش بزه‌دیدگی تا زمانی که دیگر به وی نیاز نیست در فرایند کیفری برای آرامش بخشی به کودک و پیشگیری از بزه‌دیدگی مکرر وی حضور دارد. در پژوهشی که بر روی دو گروه صد نفره از کودکان بزه‌دیده در جریان رسیدگی انجام گرفت. اعضای هیئت منصفه اذعان نمودند که کودکانی که در جریان دادرسی حضور حامی را در کنار خود داشتند با اعتماد به نفس بیشتر و دقیق‌تر موضوع بزه‌دیدگی را بیان می‌کردند، به‌نحوی که این امر در محکومیت بزه‌کار تأثیر شگرفی داشت.<sup>۲۱</sup>

قانون‌گذار ایران به‌صراحت به عبارت «شخص حامی» اشاره نکرده است، اما در مواد مختلف به حضور افرادی که در روند رسیدگی می‌توانند به کودک و سیستم قضایی کمک نمایند اشاره دارد. حال سؤال این است که چه کسانی می‌توانند به‌عنوان حامی، یاریگر کودک بزه‌دیده در فرایند دادرسی باشند؟ در پاسخ باید گفت، نقش حمایتی والدین در این عرصه در اولویت قرار دارد. ماده ۹ کنوانسیون حقوق کودک<sup>۲۲</sup> تأکید نموده است که کودک را نباید از والدین جدا کرد، مگر آنکه به حکم مقام صلاحیت‌دار و مطابق قانون این امر برای تأمین منافع عالی کودک ضرورت داشته باشد. همچنین پیمان‌نامه استراسبورگ مصوب

۲۰. ژرار لیز و ژینا فیلیزولا، بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه روح‌الدین کرد علیوند، (تهران: انتشارات مجد، ۱، ۱۳۷۹)، ص ۱۱.  
 ۲۱. McAuliff Bradley; Joshua Lapin; Sandra Michel, Support Person Presence and Child Victim Testimony: Believe it or Not, Behavioral Sciences & the Law, Vol. 33, Issue 4, 2015, p. 508.  
 ۲۲. Convention on the Rights of the Child 1989.

۳۲۰۰۳ بر حفظ ارتباط و تماس منظم والدین و کودک تأکید دارد. این نیاز در روند دادرسی دوچندان است، زیرا از یک سو کودک به جهت بزه‌دیدگی در وضعیت نابسامانی قرار دارد و از سوی دیگر حضور در محیط قضایی - پلیسی دلهره‌آور است، لذا حضور والدین به‌عنوان حامی نقش مهمی خواهد داشت؛ مگر آنکه به دلایلی چون فوت والدین، آوارگی، ترک کودک و یا نقش خود آنان در بزه‌دیدگی، این امر ممکن و یا به مصلحت نباشد. قسمت B ماده ۲۵ رهنمودهای سازمان ملل در خصوص اطفال بزه‌دیده با صراحت بیشتری شخص حامی را شامل اعضای خانواده می‌داند.

در کنار خانواده، مددکاران اجتماعی نیز نقش مهمی در روند دادرسی اطفال بزه‌دیده دارند. مددکاران اجتماعی با توجه به اینکه رسالت خود را بر مبنای توانمندسازی، شکوفایی و شناساندن منابع و امکانات به گروه هدف خود پایه‌گذاری کرده‌اند، می‌توانند با به‌کارگیری دانش تخصصی خود ورود کودک بزه‌دیده را در فرایند دادرسی تسهیل نمایند<sup>۲۴</sup>. بند ۲ ماده ۹ اصول راهبردی در مورد عدالت برای اطفال بزه‌دیده و شهود مصوب ۲۰۰۴<sup>۲۵</sup> و نیز بند D قسمت دوم ماده ۶۲ قانون نمونه محافظت از کودکان بر به رسمیت شناختن حضور مددکاران اجتماعی تأکید نموده است. در همین راستا، سیاست‌گذاران عرصه سیاست جنایی در کشور ما در سال‌های اخیر موضوع بهره‌گیری از توانمندی‌های متخصصان آسیب‌های اجتماعی در رسیدگی به بزه‌دیدگی اطفال را مورد توجه قرار داده‌اند. قانون حمایت از اطفال جایگاه مهمی را برای مددکاران اجتماعی ترسیم نموده است و این افراد در مراحل مختلف دادرسی حضور دارند. مطابق بند یک ماده ۶ قانون حمایت، مددکاران اجتماعی با همکاری شهرداری یا دهیاری و نیروی انتظامی نسبت به شناسایی، پذیرش، حمایت، نگهداری و توانمندسازی اطفال و نوجوانان موضوع این قانون و اعلام آن به مراجع صالح اقدام می‌کنند؛ همچنین مواد ۲۹ و ۳۸ این قانون حضور مددکار اجتماعی را در دادرسی الزامی دانسته است.

23. Convention on Contact Concerning (Children Strasbourg, 15. v. 2003).

۲۴. عبدالرضا جوان جعفری و شعله قتلویی، «نقش مددکار اجتماعی در نظام عدالت کیفری اطفال و نوجوانان بزه‌دیده»، وکیل منافع، ش ۱۵ (۱۳۹۵)، ص ۹۲.

25. Guideline on Justice for Child Victim and Witnesses of Crime, the Economic and Social Council, UN, 2004.

## ۴.۲. پلیس اطفال

در ساختار فعلی نیروی انتظامی، جایگاه تخصصی برای پلیس اطفال و نوجوانان پیش‌بینی نشده و این درحالی است که در برخی موضوعات چون جرایم سایبر، امنیت اقتصادی و جرایم امنیتی، رویکرد تخصصی تا حدی مد نظر بوده است. اولین کنگره بین‌المللی پیشگیری از وقوع جرم و درمان مجرمان مصوب ۱۹۵۵ و نیز بخش ۱۲/۱ قواعد پکن (حداقل مقررات استاندارد سازمان ملل برای دادرسی ویژه نوجوانان)<sup>۲۶</sup> به تشکیل پلیس ویژه کودکان و نوجوانان تأکید نموده، لکن رویکرد این اسناد بر بزهکاری کودکان متمرکز است؛ همین‌حال در ادبیات حقوقی پژوهشگران نیز ملاحظه می‌شود و متأسفانه جایگاه پلیس ویژه در بزهدیدگی اطفال کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پلیس در مواجهه با بزهدیدگی کودکان به‌طور کلی دو راهبرد دارد؛ حمایتی و اجرای قانون. در راهبرد جامعه‌پلیسی<sup>۲۷</sup> پیشنهاد می‌شود پلیس به‌دنبال راهی باشد که با همکاری شهروندان قانون‌مدار ضمن افزایش سطح رفاه اجتماعی به حمایت از بزهدیدگان بپردازد<sup>۲۸</sup> و در کنار آن، شرایط آغاز و استمرار روند قانونی دادرسی را فراهم نماید.

نظام حقوقی ایران تا سال ۱۳۹۲ توجه چندانی به این امر نداشت تا آنکه ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری برای نخستین بار تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان را الزامی نمود. این اقدام از منظر حقوقی و جرم‌شناسی اقدامی مثبت و رو به جلو تلقی می‌شود و نمایانگر رویکرد نظام تقنینی به افتراقی‌سازی و تخصصی کردن سیستم قضایی در رسیدگی به موضوعات مرتبط با کودکان است. با این حال، این ماده با این اشکال اساسی روبه‌رو است که صرفاً حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد کودکان را هدف از تشکیل پلیس اطفال و نوجوانان تلقی کرده و لذا با توجه به آنکه ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری این وظایف را شامل کشف جرم، حفظ آثار و علائم و ادله وقوع جرم، شناسایی و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی دانسته است،

26. United Nations Standard Minimum Rules for the Administration of Juvenile Justice.

27. Community policing.

28. Trojanowicz, Robert C; Bucqueroux, Bonnie, Community Policing: A Contemporary Perspective. Cincinnati, OH: Anderson, 1990, p. 48.

در نتیجه مسائلی از قبیل پیشگیری از جرم و حمایت از کودکان بزه‌دیده در این فرایند تعریف نشده است. این موضوع فلسفه وجودی پلیس اطفال و نوجوانان را با چالش مواجه می‌سازد.<sup>۲۹</sup> قانون حمایت از اطفال و نوجوانان و نیز لایحه پلیس اطفال تلاش کرد که این خلأ را تاحدی جبران نماید.

لایحه پلیس اطفال که در تاریخ ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۰ تقدیم مجلس شد، با آنکه تمرکز بر امر بزهکاری کودکان دارد، در برخی مواد به وظیفه پلیس ویژه در عرصه بزه‌دیدگی اطفال نیز پرداخته است. در ماده یک لایحه و در تعریف اطفال و نوجوانان، کودکان بزه‌دیده زیر ۱۸ سال نیز تحت شمول قانون قرار گرفته‌اند. تبصره ۲ ماده ۱۷ لایحه نیز وظیفه تحقیقات مرتبط با بزه‌دیدگی کودکان را برعهده پلیس ویژه نهاده است.

این لایحه با تمرکز بر چند مشخصه در پلیس ویژه به دنبال رسیدن به اهداف حداکثری در ایجاد این ساختار تخصصی است. مطابق ماده ۴ لایحه، مأموران پلیس ویژه باید علاوه بر شرایط عمومی، متأهل و ترجیحاً دارای فرزند، دارای مدرک تحصیلی کاردانی و یا بالاتر در یکی از رشته‌های ذی‌ربط علوم انتظامی و همچنین رشته‌های روانشناسی، علوم تربیتی، علوم اجتماعی، حقوق و مددکاری اجتماعی بوده، آموزش‌های تخصصی را نیز طی کرده باشند. این شرایط سبب می‌شود افسر پلیس حداقل شرایط لازم را برای برقراری تعامل با کودک بزه‌دیده و ایجاد حس اعتماد در وی داشته باشد. ماده ۱۶ اعلامیه اصول بنیادین عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت، به امر آموزش افسران پلیس برای پاسخگویی به نیازهای بزه‌دیدگان اشاره نموده است.

با توجه به ساختار جسمی و روحی جنس مؤنث که دارای لطافت روحی است و همین مؤلفه وی را مهربای مادر شدن می‌کند، پلیس زن نقش بی‌بدیلی در فرایند تحقیقات مقدماتی ایفا می‌نماید؛ چراکه درک درستی از عواطف و احساسات کودکان دارد. قانون حمایت در این خصوص ساکت است، اما ماده ۴۲ ق.آ.د.ک بر انجام تحقیقات افراد نابالغ از سوی ضابطان آموزش‌دیده زن تأکید دارد. در لایحه پلیس ویژه نیز بر حضور حداقل ۳۰

۲۹. حسنعلی موذن‌زادگان و حسین جوادی، «الزامات و سازوکارهای پلیس اطفال و نوجوانان در ایران (مطالعه تطبیقی حقوق آمریکا)»، پژوهش‌های حقوق جزا، ش ۵ (۱۳۹۴)، ص ۲۰.

درصدی زنان در ساختار کلانتری‌ها برای نیل به اهداف تشکیل پلیس ویژه اطفال تأکید شده است. در مجموع می‌توان گفت، پلیس در موضوع بزهدیدگی کودکان می‌تواند در چند حوزه ایفای نقش نماید؛ اولاً رفتار کرامت‌مدار پلیس با بزهدیده در ایجاد آرامش و امنیت برای وی حائز اهمیت خاص است و به عبارت دیگر چنانچه بزهدیده در مواجهه با پلیس و مراجع قضایی به هنگام شکایت متحمل نامالییات جدیدی (از قبیل رفتار اهانت‌آمیز، نامنصفانه و بی‌اعتنایی به عواطف) شود<sup>۳۰</sup>، تحقق بزهدیدگی ثانویه محتمل است.

ثانیاً پلیس با ارائه آموزش‌های لازم در خصوص مواجهه بزهدیدگان با جرایم، نحوه گزارش‌دهی و چگونگی ارتباط با مراجع قضایی می‌تواند روند تحقیقات مقدماتی را تسهیل نماید.

ثالثاً در برخی جرایم چه بسا بزهدکار با توجه به شرایط خاص کودک، به تهدید وی روی آورد و در صدد برآید با سوءاستفاده از وضعیت وی امکان طرح شکایت و پیگیری آن را منتفی سازد. در این حال، بزهدیده نیازمند حمایت مضاعف دستگاه‌های مجری عدالت و به‌ویژه پلیس است. در این راستا پلیس می‌تواند ضمن حمایت از کودک، زمینه انتقال وی به اماکن امن از جمله بهزیستی را فراهم آورد. بند «ب» ماده ۶ قانون حمایت به این نکته توجه نموده است.

## ۲.۵. شرایط خاص تحقیقات مقدماتی

با توجه به شرایط خاص کودکان بزهدیده تحقیقات مقدماتی نسبت به آنان از شرایط کاملاً متفاوت و افتراقی در مقایسه با سایر بزهدیدگان و بزهدکاران برخوردار است. این رویکرد در شرایط خاص مقام تحقیق، مکان تحقیق و روند تحقیق متجلی می‌شود. رابطه محبت‌آمیز بازپرس سبب کاهش اضطراب و دلهره کودک می‌شود و ضمن آنکه احتمال بزهدیدگی ثانویه را کاهش می‌دهد شرایطی را فراهم می‌آورد که کودک حضور فعالانه‌ای در روند دادرسی داشته باشد و همین امر به بازپرس کمک می‌کند شرایط و انگیزه‌های ارتکاب جرم را بهتر ارزیابی نماید.

۳۰. ابراهیم رجبی، «درمانگاه بزهدیده و بزهدیدگی و نقش پلیس در آن»، دانش انتظامی، ش ۴۶ (۱۳۸۹)، ص ۱۹.

پاراگراف چهارم اعلامیه اصول بنیادین عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت تأکید نموده است که رفتار با بزه‌دیدگان باید همراه با احساس همدردی و احترام به کرامت انسانی آنان باشد. در خصوص کودکان بزه‌دیده این ارتباط از حساسیت بیشتری برخوردار است. بازپرس باید با جلب اعتماد کودک و کاهش نگرانی وی شرایط یادآوری وقایع را فراهم نماید. صحبت‌های اولیه بازپرس می‌تواند راجع به موضوعاتی غیر از مسائل پرونده مثل ورزش، برنامه‌های تلویزیون، بازی‌های مورد علاقه کودک باشد. او باید در این مرحله کودک را از اینکه کار اشتباهی انجام نداده است، مطمئن نماید و درواقع احساس گناه وی را کاهش دهد و حتی توصیه شده است برای برقراری رابطه با کودک، از وی خواسته شود، واقعه‌ای که مربوط به پرونده نیست، مثل جشن تولد را توضیح دهد. این شیوه تمرینی است که کودک را برای ادای جزئیات یاری می‌رساند.<sup>۳۱</sup> توجه به این نکات ظریف مستلزم آن است که بازپرس آموزش‌های لازم و تخصصی را در این خصوص دیده باشد و در عین حال، مهارت‌های برخورد با کودک را نیز بداند. زیرا از یک طرف، هرگونه برخورد نامناسب و ناشایست می‌تواند به اثر سوء در روحیه کودک، سلب اعتماد و در نتیجه عدم همکاری وی با مراجع رسیدگی منجر شود و از طرف دیگر، هیجان و اضطراب نیروی یادآوری خاطرات را فلج نموده، مانع حصول نتیجه دلخواه از مصاحبه می‌شود و در نتیجه روند اجرای عدالت را دچار اختلال می‌کند.<sup>۳۲</sup>

ماده ۳۹ قانون حمایت تأکید دارد که تمام اقدامات و تحقیقات از اطفال و نوجوانان موضوع این قانون باید از سوی اشخاص آموزش‌دیده در این زمینه و در کمترین دفعات و کوتاه‌ترین زمان ممکن برحسب نیازهای آنها به عمل آید. همچنین تبصره ماده ۴ قانون حمایت نیز به «دادیار آموزش‌دیده» در بزه‌دیدگی اطفال اشاره دارد.

این روند مطابق اسناد بین‌المللی است؛ برای مثال بند ۲ از ماده ۶۱ قانون نمونه مرکز بین‌المللی حمایت از کودکان استثمار و مفقودشده مصوب ۲۰۱۳ بیان می‌دارد: کلیه اقدامات

۳۱. ژینوس شریف رازی، حمایت از اطفال بزه‌دیده در فرآیند دادرسی کیفری ایران و انگلستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷.

۳۲. هدیه هدایت، آیین دادرسی ویژه کودکان بزه‌دیده، (تهران: انتشارات میزان، چ ۱، ۱۳۹۵)، ص ۱۲۴.



قضایی از سوی مقامات مجری قانون، قضات، دادستان‌ها و وکلایی مورد رسیدگی و اجرا قرار می‌گیرد که آموزش‌های خاص دیده باشند. این افراد می‌بایست درباره حقوق کودکان و محافظت از صلاحیت کودکان آموزش‌های مستمر دریافت کنند. همین رویکرد در ماده ۱۳ اصول راهبردی برای اطفال بزه‌دیده و شهود مصوب ۲۰۰۴ ملاحظه می‌شود.

به جهت آنکه شرایط مصاحبه با کودک و چگونگی آن از تکنیک‌های خاصی برخوردار است قاضی می‌تواند از مددکار اجتماعی نیز در این باره کمک بگیرد. ماده ۴۰ قانون حمایت به مرجع قضایی اختیار داده است که با در نظر گرفتن غبطه و نیز مصلحت طفل یا نوجوان، انجام اقداماتی از قبیل ارزیابی و تحقیقات مقدماتی درباره وضعیت جسمی، روحی و روانی وی یا والدین، اولیا و یا سرپرستان قانونی او، وضع خانوادگی و محیط سکونت، اشتغال و تحصیل را به مددکاران اجتماعی بهزیستی محول کند.

علاوه بر موارد پیش‌گفته، حتی توجه به محیط حضور کودک در زمان تحقیقات مقدماتی نیز حائز اهمیت است. در توصیه‌نامه‌ای که در سال ۲۰۰۷ از سوی وزارت کشور انگلیس ارائه گردید<sup>۳۳</sup>، به شرایط مطلوب مکان بازپرسی و ابعاد آن، دکور اتاق و در دسترس بودن اسباب بازی‌های متناسب با سن و جنسیت کودک تأکید شده است. بند G از ماده ۶۲ قانون نمونه مرکز بین‌المللی حمایت از کودکان استثمار و مفقودشده مصوب ۲۰۱۳ تأکید می‌نماید که جلسه رسیدگی کودک به روش‌های الکترونیکی یا به صورت ویدئویی ضبط و از مطالب آن در جلسات بعدی دادگاه استفاده شود. این شیوه می‌تواند از یک سو از ورود کودک به محیط پلیسی - قضایی جلوگیری کند و از سوی دیگر، نیاز به مواجهه کودک با مقامات قضایی را کاهش دهد.

## ۶.۲. نهادهای مردمی و غیرقضایی

حقوق کیفری به‌تنهایی و فقط با سازوکارهای نهادهای رسمی قضایی نمی‌تواند کارآمدی لازم را برای مقابله با پدیده بزهکاری داشته باشد، لذا استفاده از ظرفیت‌های جامعه و فرایندهای ترمیمی در دهه‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. استدلال جامعه‌شناسان و

33. Achieving Evidence in Criminal Processing: Guidance on Interviewing Victims and Witnesses 2007.

فعالان اجتماعی این است که ورود سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد در برخی از امور از قبیل آسیب‌های اجتماعی به‌ویژه کمک به کودکان آسیب‌دیده بهتر از حاکمیت می‌تواند مؤثر باشد؛ چراکه به صورت داوطلبانه و بدون دریافت حقوق این کار را انجام می‌دهند.<sup>۳۴</sup> هیئت وزیران در آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی مصوب ۱۳۸۴، سازمان‌های مردم‌نهاد را تشکل‌هایی دانسته است که از سوی گروهی از اشخاص حقیقی یا حقوقی غیرحکومتی به صورت داوطلبانه با رعایت مقررات مربوط تأسیس شده و دارای اهداف غیرانتفاعی و غیرسیاسی است. حضور سازمان‌های مردم‌نهاد یکی از مهم‌ترین عرصه‌ها در زمینه تأمین حقوق اطفال بزه‌دیده است؛ اهمیت این موضوع تا حدی است که روز ۲۰ نوامبر به‌عنوان «روز جهانی اتحاد سازمان‌های مردم‌نهاد برای پیشگیری از کودک‌آزاری» در نظر گرفته شده است. بند ۴ از قسمت «ب» ماده ۸۰ قانون برنامه ششم توسعه نیز به بسط و توسعه نقش مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه‌های مشارکت‌های گروهی تأکید نموده است.

سازمان‌های مردم‌نهاد در موضوع بزه‌دیدگی اطفال در چند حوزه ایفای نقش می‌نمایند:

- حضور به‌عنوان شاکی و یا اعلام‌کننده جرم در جهت به‌جریان انداختن روند دادرسی.
- حضور در فرایند دادرسی و ارائه مشاوره‌های بایسته به بزه‌دیدگان و بازیگران عرصه عدالت قضایی در جهت رسیدگی عادلانه و شایسته با لحاظ شرایط کودک.
- حضور فعال در مرحله اجرای حکم و ایفای نقش واسط میان بزه‌دیده و بزه‌کار و به حداقل رساندن آسیب‌های بزه‌دیدگی و جبران آن.

دو محور اول به نوعی در حیطه تحقیقات مقدماتی می‌گنجد، لذا موضوع در حقوق کیفری ایران مورد مذاقه قرار می‌گیرد. قانون‌گذار ایران در قانون آیین دادرسی کیفری و نیز قانون حمایت از اطفال و نوجوانان تا حدی به فعالیت‌های سمن‌ها در این حوزه توجه نموده است.

۳۴. مصطفی پاک‌نیت، *افتراقی شدن دادرسی کیفری*، (تهران: نشر میزان، ج ۱، ۱۳۹۶) ص ۲۴۹.

ماده ۶۶ آیین دادرسی کیفری بیان می‌دارد: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرایم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند».

همچنین در تبصره ماده ۳۸ قانون حمایت آمده است: «دادگاه می‌تواند علاوه بر موارد ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ با اصلاحات بعدی از نماینده مطلع سازمان‌های مردم‌نهادی که دارای مجوز فعالیت در زمینه حقوق اطفال و نوجوانان هستند، برای حضور در جلسه دعوت کند».

تحلیل این دو مصوبه قانونی و ارتباط آنها و نیز خلأهای احتمالی موجود در تبیین رویکرد قانون‌گذار مهم تلقی می‌شود، لذا در چند بند به این موارد اشاره می‌کنیم:

- در مصوبه ابتدایی ماده ۶۶ ق.آ.د.ک، حق اعتراض به احکام برای سازمان‌های مردم‌نهاد پیش‌بینی شده بود، لکن در اصلاحات سال ۹۴ این مورد حذف گردید. همین رویکرد در لایحه قانون حمایت از اطفال وجود داشت، ولی در مصوبه نهایی حق اعتراض به احکام حذف شد. این امر به‌نوعی سبب کاهش نقش حمایتی سمن‌ها نسبت به مقوله بزه‌دیدگی کودکان خواهد شد.

- حق تعقیب دعوای عمومی متعلق به جامعه بوده، جامعه این حق را به‌واسطه نمایندگان خود به‌اجرا می‌گذارد. دادسرا نماینده جامعه است و به نام جامعه بزه‌کار را تحت تعقیب قرار می‌دهد<sup>۳۵</sup>. با این حال، نباید این‌گونه تصور کرد که حضور سازمان‌های مردم‌نهاد با حق تعقیب جرم از سوی دادسرا منافات دارد، بلکه این امر ناکارآمدی احتمالی دادسرا را در عرصه بزه‌دیدگی اطفال جبران می‌کند و به سمن‌ها نقشی شبه دادستان می‌بخشد. سازمان‌های غیردولتی به‌عنوان چشمان بیدار جامعه و حاکمیت، یار و مددکار دادستان به‌شمار رفته، با حضور فعالی که در سطح جامعه دارند

نقش انکارناپذیری در کشف و تعقیب و به‌طور کلی پیشگیری از جرایم در سطح جامعه برعهده دارند. از سوی دیگر با توجه به تخصصی بودن سازمان‌های غیردولتی و شناخت دقیق و همه‌جانبه‌ای که آنها از بخش‌های اجرایی دارند به‌طور دقیق و شفاف و با ارائه دلایل متناسب می‌توانند گام‌های چشمگیری در مسیر تأمین امنیت کشور بردارند.<sup>۳۶</sup> البته برعکس دادسرا که تکلیف به تعقیب دارد، اقدامات سازمان‌های مردم‌نهاد الزامی نبوده، بلکه همان‌گونه که در ماده ۶۶ نیز بیان شد، جنبه اختیاری به خود گرفته است.

- مقایسه میان ماده ۶۶ و تبصره ماده ۳۸ گویای آن است که بر اساس تبصره ماده ۶۶ در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه‌دیده خاص باشد، کسب رضایت وی جهت اقدام مطابق این ماده ضروری است. در خصوص اطفال بزه‌دیده، رضایت ولی، قیم یا سرپرست قانونی او اخذ می‌شود. اگر ولی، قیم یا سرپرست قانونی، خود مرتکب جرم شده باشد، سازمان‌های یادشده با اخذ رضایت قیم اتفافی یا تأیید دادستان، اقدامات لازم را انجام می‌دهند و این درحالی است که ماده ۳۸ قانون حمایت، به‌طور مطلق به حضور سمن‌ها در جریان دادرسی اشاره دارد. در مقام ارزیابی این مواد باید بیان نمود مشروط ساختن حضور سمن‌ها به رضایت بزه‌دیده یا قیم و یا حتی دادستان جایگاه این نهاد را کاهش خواهد داد؛ چراکه حضور سازمان‌های مردم‌نهاد به جهت رویکرد تخصصی قطعاً در حسن جریان رسیدگی و رعایت مصالح کودک مؤثر خواهد بود.
- حضور سمن‌ها در جریان رسیدگی تشریفاتی نبوده، بلکه به استناد تبصره ۴ ماده ۶۶ حضوری فعال است که ضمن شرکت در دادرسی می‌توانند ادله خود را نیز ارائه نمایند. با این حال، در تبصره ماده ۳۸ قانون حمایت برای مرجع قضایی حق دعوت از سمن‌ها پذیرفته شده است. از این ماده نباید این‌گونه استنباط کرد که حضور سمن‌ها در جریان رسیدگی منوط به دعوت مرجع قضایی است، بلکه بر اساس قاعده کلی یادشده در قانون آیین دادرسی کیفری، سازمان‌های مردم‌نهاد حق حضور در جریان

۳۶. غلامحسین کوشکی، «سازمان‌های غیردولتی: از انفعال تا مشارکت رو به فعال در تعقیب دعوی عمومی»، پژوهش حقوق کیفری، ش ۴ (۱۳۹۲)، ص ۷۳.

رسیدگی را دارند و البته اگر در مواردی این سازمان‌ها حضور نداشته باشند دادگاه نیز مستقلاً حق دعوت از آنها را خواهد داشت.

▪ مواد ۴ و ۱۶ آیین‌نامه اجرایی سازمان‌های مردم‌نهاد به سمن‌ها جایگاه شاکی بخشیده است؛ درحالی که در قانون آیین دادرسی کیفری و قانون حمایت، سمن‌ها فقط اعلام‌کننده جرم هستند و البته حق حضور در جلسات رسیدگی را نیز دارند. این رویکرد سبب می‌شود نقش فعال سمن‌ها به نقشی منفعل بدل گردد و دقیقاً به‌واسطه همین امر تبصره ۴ ماده ۶۶ حضور سمن‌ها را در جرایم منافی عفت ممنوع ساخته است. این رویکرد قانون‌گذار صحیح به نظر نمی‌رسد و به قیاس اولویت اتفاقاً حضور سمن‌ها در این جرایم موجه‌تر است؛ چراکه اولاً جرایم منافی عفت ماهیتی پنهان دارد، به همین دلیل در زمره جرایم آپارتمانی<sup>۳۷</sup> قلمداد می‌شود و طبعاً در این جرایم حضور سمن‌ها می‌تواند به شناخت ابعاد مختلف بزه و ادله آن کمک نماید؛ ثانیاً نیاز کودک بزه‌دیده به حضور این نهادها و اتخاذ تدابیری جهت آرامش بخشی به کودک و راهبردی برای جبران صدمه وارده در چنین مواردی بیشتر از سایر جرایم است.

## ۲.۷. مرجع اختصاصی تحقیقات مقدماتی

اگر به مبانی تشکیل مراجع اختصاصی توجه نماییم، شخصیت مرتکب جرم و شرایط خاص وی یکی از مواردی است که ایجاد چنین مراجعی را توجیه می‌کند؛ همچنین وجود این محاکم حجم کار قضات عمومی را کاهش می‌دهد.<sup>۳۸</sup> فارغ از مبانی تشکیل دادگاه‌های اختصاصی که در جای خود قابل تأمل است، این نکته حائز اهمیت است که چرا آسیب‌پذیری و وضعیت جسمی و روانی بزه‌دیده نتواند توجیه‌گر ایجاد مراجع اختصاصی گردد.<sup>۳۹</sup> قانون آیین دادرسی کیفری رویکرد افتراقی را در مورد رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان مد نظر قرار داده است، لیکن چنین رویکردی در خصوص بزه‌دیدگی این قشر

37. Suite Crime.

38. Miller-Brett, Banks-Brett, "xxperience and Ideology on Specialized Courts: the Case of the Court of Appeals for the Federal Circuit", *Law & Society Review*, Vol. 43, No. 4 (2009), p. 839.

39. برای آگاهی بیشتر در خصوص مراجع اختصاصی اطفال و نوجوانان، نک: امیرحسین نیازپور، «دادگاه‌های کیفری رسیدگی کننده به جرم‌های اطفال و نوجوانان»، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ش ۱۵ (۱۳۹۶).

ملاحظه نمی‌شود؛ البته قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ با پیش‌بینی تدابیری که در بالا بیان گردید تا حدی دادرسی افتراقی را مورد عنایت قرار داده، لکن در خصوص صلاحیت، دادگاه‌های تخصصی در این قانون پیش‌بینی شده است. اختصاص شعبی از دادگاه‌های کیفری و خانواده برای رسیدگی به جرایم و دعاوی موضوع قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و مورد عنایت قرار دادن نیازها و مطالبات کودک، اقدامی پیشرفته در جهت سیاست حمایتی افتراقی از کودک بزه‌دیده است که توأم با اقدامات اصلاحی و توانمندسازانه برای کودک و به‌موازات آن تضمین و اعتلای حقوق او و رعایت عدالت بزه‌دیده‌محور در فرایند کیفری است و نشانه‌هایی آشکار از بزه‌دیده‌شناسی حمایتی در آن مشهود بوده که در نوع خود بی‌سابقه است.<sup>۴۰</sup> مطابق ماده ۲۸ قانون حمایت، رئیس قوه قضاییه به پیشنهاد رئیس کل دادگستری استان و به تناسب امکانات، ضرورت، تجربه، تبحر و سابقه قضات در هر حوزه قضایی شعبی از دادرسی و دادگاه کیفری و دادگاه خانواده را جهت رسیدگی به جرایم و دعاوی موضوع این قانون اختصاص خواهد داد. اختصاص این شعب مانع رسیدگی به سایر پرونده‌ها نمی‌شود.

در زمینه اصل وجود دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است؛ برخی با این استدلال که وجود این دادرسی عملاً سبب اطاله دادرسی شده، اصل تسریع در رسیدگی به جرایم اطفال را با اختلال مواجه می‌سازد و همچنین سبب اضطراب و تشویش کودکان می‌شود، با این تشکیلات مخالفت نموده‌اند؛<sup>۴۱</sup> این درحالی است که اگرچه حذف مراجع مقدم بر دادگاه در جهت جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی به طفل صورت می‌گیرد، لکن چنانچه نهادهای مقدم بر دادگستری به صورت اختصاصی ایجاد شوند، وجود آنان منافع بیشتری نسبت به حذفشان خواهد داشت.<sup>۴۲</sup> از سوی دیگر، اسناد بین‌المللی به دادرسی نوجوانان به‌عنوان یک مرجع پیش از دادرسی که تنها وظیفه تحقیقات مقدماتی و

۴۰. هدیه هدایت، پیشین، ص ۲۳۹.

۴۱. محمد شایگان، «الگوی عدالت کیفری کودکان و نوجوانان معارض با قانون در حقوق ایران»، مجموعه مقالات همایش ملی عدالت کیفری کودکان و نوجوانان در حقوق ایران، (تهران: دانشگاه علوم قضایی، ج ۱، ۱۳۸۹)، ص ۳۳۹؛ محمدحسین پویاسیرت، «رسیدگی به جرایم اطفال در قانون آیین دادرسی کیفری»، مطالعات حقوقی، ش ۹ (۱۳۸۸)، ص ۳۰.

۴۲. سید علیرضا میرکمالی و انسیه حسینی، «دادرسی کیفری افتراقی اطفال در قانون آیین دادرسی ۱۳۹۲»، حقوق کیفری، ش ۱۴ (۱۳۹۵)، ص ۲۵۳.

صدور کیفرخواست دارد، نگاه نمی‌کند، بلکه آن را یک مرجع پیش از دادرسی می‌انگارد که امکان استفاده از راهکارهای قضازدایی با برخورداری از مصالحه یا میانجی‌گری و بهره‌مندی از تعلیق تعقیب و .... دارد، و اصل را در این مرحله بر قضازدایی و تغییر مسیر رسمی دادرسی قرار می‌دهد.<sup>۴۳</sup>

در خصوص این مرجع تحقیقات مقدماتی نسبت به اطفال و نوجوانان چند نکته قابل ملاحظه است:

اول: با آنکه قانون آیین دادرسی کیفری در ماده ۲۵ به رئیس قوه قضاییه اجازه تشکیل دادرسی‌های تخصصی را داده، با این حال، قانون حمایت بر این امر تأکید نموده و دلیل آن نیز وجهه الزام‌آوری است که در ماده ۲۸ قانون حمایت در مقایسه با آیین دادرسی کیفری ملاحظه می‌گردد؛ لذا تشکیل دادرسی اطفال از سوی رئیس قوه قضاییه الزام‌آور است و نه اختیاری.

دوم: به‌طور کلی سیر حرکتی مراجع قضایی به‌درستی به سمت تخصصی شدن در حرکت است، لکن در خصوص اطفال بزهدیده این امر کافی به مقصود نیست و بهتر بود قانون‌گذار به‌مانند رویکردی که در قانون آیین دادرسی کیفری نسبت به اختصاصی شدن مراجع رسیدگی‌کننده به جرایم اطفال داشت، در خصوص اطفال بزهدیده نیز همین شیوه را اتخاذ می‌کرد، چراکه الزامات رسیدگی افتراقی با مراجع اختصاصی و تخصصی متفاوت است؛ برای نمونه در خصوص مراجع اختصاصی به جهت ذاتی بودن صلاحیت آنها، مستند به بند «پ» ماده ۴۵۰ و بند ۳ ماده ۴۶۹، در صورت صدور رأی از جانب مرجع فاقد صلاحیت، چه مرجع اعتراض دیوان عالی کشور و چه دادگاه تجدیدنظر استان باشد، در هر حال، رأی نقض و به مرجع صالح ارسال می‌شود، لکن این ضمانت اجرا در خصوص مراجع تخصصی وجود ندارد.

چنین رویکردی در قوانین بسیاری از کشورها دیده می‌شود که صلاحیت مراجع رسیدگی‌کننده به موضوعات کودکان را تنها به بزهکاری اطفال منحصر نکرده‌اند، بلکه

۴۳. علی فخاری، دادرسی عادلانه اطفال در حقوق بشر بین‌المللی و حقوق ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.

تمایل دارند تا دامنه صلاحیت قضات دادگاه اطفال را هرچه بیشتر گسترش دهند؛ به طوری که امروزه در اکثر کشورهای اروپایی محاکم یادشده کم‌کم به صورت یک نوع «دادگاه حمایت اطفال» درآمده‌اند. در برخی کشورهای غرب آسیا چون سوریه و عراق، حتی رسیدگی به وضع اطفال رهاشده و بی‌سرپرست نیز از طرف دادستان به این‌گونه دادگاه‌ها ارجاع می‌شود.<sup>۴۴</sup> مبنای این امر آن است که دادگاه‌های اطفال به جهت داشتن قضات باتجربه و نیز استفاده از کمک‌های فنی سازمان‌های مختلف از جمله بهزیستی و مددکاران اجتماعی، بهتر می‌توانند به موضوعات کودکان بزه‌دیده و در معرض خطر ورود کنند.

یکی از مهم‌ترین نتایج تأسیس مراجع اختصاصی، پیش‌بینی مکانی مجزا جهت تحقیقات و دادرسی در خصوص کودکان و نوجوانان است که از ارتباط آنان با مجرمان بزرگسال جلوگیری می‌شود؛ همچنان که می‌توان فضا سازی آن را متناسب با شخصیت و روحیات کودکان و نوجوانان سامان داد. تمامی این اقدامات بدین سبب است که تا از احساس ترس ناشی از حضور در چنین مکانی کاسته شود و کودک با احساس آرامش بیشتری در مقابل قاضی قرار گیرد و پذیرای تصمیمات دادگاه گردد.<sup>۴۵</sup> علاوه بر این، نوع چیدمان صندلی دادگاه و تزئینات سالن محاکمه نیز ممکن است در روحیه اطفال تأثیرگذار باشد.<sup>۴۶</sup>

این موضوع در خصوص بزهکاری کودکان قابل توجه و در خصوص بزه‌دیدگی اطفال از اولویت بیشتری برخوردار است؛ چراکه وضع کودک بزه‌دیده و شرایط روحی او نیاز به چنین رویکردهایی را دوچندان می‌سازد.

سوم: بر اساس ماده ۲۸۵ در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در محل آن، شعبه‌ای از دادرسی عمومی و انقلاب با عنوان دادرسی ویژه نوجوانان به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس تشکیل می‌شود. تحقیقات مقدماتی جرایم افراد پانزده تا هجده سال به‌جز جرایم موضوع مواد ۳۰۶ و ۳۴۰ این قانون که به‌طور مستقیم از سوی دادگاه صورت می‌گیرد، در این دادرسی به‌عمل می‌آید.

۴۴. محمود امامی و جاوید صلاحی، *دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار*، (تهران: انتشارات میزان، ج ۱، ۱۳۸۹)، ص ۶۱.

۴۵. سید علیرضا میرکمالی و انسیه حسینی، پیشین، ص ۱۵۹.

۴۶. محمود امامی و جاوید صلاحی، پیشین، ص ۵۱.



این ماده دادرسی یادشده را «دادرسی نوجوانان» نام نهاده است. دلیل این امر نیز روشن است، زیرا بر اساس تبصره یک این ماده، دادسرا نسبت به جرایم افراد زیر پانزده سال حق مداخله ندارد و کلیه وظایف مربوط به تحقیقات مقدماتی برعهده دادگاه است؛ بنابراین، این دادسرا صرفاً تحقیقات مقدماتی جرایم ارتكابی از سوی نوجوانان بالای پانزده سال را به‌عمل می‌آورد. حال سؤال این است که دادرسی نامبرده اختصاصی است یا تخصصی؟

در این خصوص چند دیدگاه قابل طرح است: برخی بیان داشته‌اند دادرسی ویژه نوجوانان دادرسی اختصاصی نبوده، بلکه شعبه‌ای تخصصی از دادرسی عمومی و انقلاب است و این دادسرا صلاحیت تحقیقات مقدماتی در مورد اتهام افراد بین ۱۵ تا ۱۸ سال شمسی را دارد.<sup>۴۷</sup> این دیدگاه از این جهت تقویت می‌شود که ماده ۲۸۵ آ.د.ک دادرسی نوجوانان را شعبه‌ای از دادرسی عمومی و انقلاب دانسته است.

یکی دیگر از حقوق‌دانان معتقد است دادرسی‌های تخصصی موضوع ماده ۲۵، دادرسی‌های تخصصی قضایی است که اختیار تأسیس آن با قوه قضاییه می‌باشد و دادرسی ویژه نوجوانان در زمره دادرسی تخصصی قانونی است که خود قانون‌گذار آن را تأسیس کرده، زیر نظر دادرسی عمومی قرار دارد.<sup>۴۸</sup>

به نظر می‌رسد هیچ‌یک از این دو دیدگاه صحیح نیست، چراکه دیدگاه اخیر اقدام به جعل مفهومی حقوقی نموده است که مسبوق به سابقه نیست و از سوی دیگر مرز میان مراجع اختصاصی و تخصصی را برهم می‌زند. از طرف دیگر با توجه به وجوه افتراق میان مراجع اختصاصی و تخصصی، می‌توان این دادسرا را اختصاصی دانست؛ زیرا اولاً دادگاه و دادرسی اختصاصی از سوی قانون‌گذار ایجاد می‌شود و برعکس قانون سابق، این دادسرا در قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده است.

ثانیاً دادرسی‌های تخصصی با توجه به نیاز سیستم قضایی به تشخیص رئیس قوه قضاییه ایجاد می‌شود و ماده ۲۵ آ.د.ک به این موضوع اشاره کرده است؛ حال آنکه در این ماده

۴۷. علی خالقی، نکته‌ها در آیین دادرسی کیفری، (تهران: انتشارات شهر دانش، چ ۱، ۱۳۹۴)، ص ۳۱۶.

۴۸. محمدعلی جهانی‌پور، دادرسی کیفری اختصاصی (اطفال و نوجوانان بزه‌کار)، (تهران: انتشارات شهر دانش، چ ۱، ۱۳۹۷)، ص ۹۰.

صحتی از دادرسی ویژه نوجوانان نشده است و نکته جالب توجه اینکه در لایحه ابتدایی آیین دادرسی کیفری، دادرسی ویژه نوجوانان در ماده ۲۵ به عنوان دادرسی تخصصی آمده بود، لیکن در اصلاحات صورت گرفته این مورد از ماده ۲۵ حذف گردید و به صورت مستقل ایجاد شد؛ این امر مشعر بر آن است که قانون گذار این دادرسی را برخلاف مصادیقی چون دادرسی کارکنان دولت، جرایم امنیتی و... تخصصی نمی داند.

ثالثاً در این قانون اجازه ارجاع سایر پرونده‌ها به دادرسی نوجوانان داده نشده و این درحالی است که در قانون سابق چنین منعی وجود نداشته است؛ لذا به نظر می‌رسد تمایل قانون گذار بر اختصاصی بودن این دادرسی است.

با این استدلال، دادرسی ویژه نوجوانان دادرسی اختصاصی است که قضات آن دارای شرایط خاصی همچون گذراندن دوره‌های آموزشی، تاهل و سابقه قضاوت هستند. حال این سؤال مطرح می‌شود که چرا قانون گذار به جای ایجاد دادرسی تخصصی برای رسیدگی به موضوع بزه‌دیدگی اطفال از پتانسیل این دادرسی در رسیدگی به این موارد استفاده نکرده است؛ خاصه آنکه مطابق ماده ۴۸ قانون حمایت از اطفال، در مواردی که کودک ناقض قوانین جزایی باشد یا نوجوان بزه‌کار، بزه‌دیده نیز تلقی شود، دادرسی رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان به جرایم ارتكابی علیه آنها نیز رسیدگی می‌کند؛ لذا این اشکال به قانون حمایت از اطفال و نوجوانان وارد است که از این امتیاز برای کودکان بزه‌دیده استفاده نکرده است.

### نتیجه

تحولات آیین دادرسی کیفری در دهه‌های اخیر گویای آن است که صرفاً نظر به بزه‌کار و جامعه ندارد، بلکه مصالح بزه‌دیده مد نظر است. رویکرد افتراقی به دادرسی کودکان بزه‌دیده از منظر علوم جرم‌شناسی و روان‌شناسی شکل گرفته و نظام حقوقی ایران نیز برخی صور افتراقی‌سازی را هرچند ناقص پذیرفته است. این مصادیق شامل موارد زیر است:

۱- افزایش رقم سیاه بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان سبب شده است نظام حقوقی ایران به تبع اسناد بین‌المللی به جرایم علیه اطفال جنبه عمومی ببخشد. اتخاذ چنین تدبیری

الزام به طرح شکایت از سوی کودک بزهدیده یا خانواده وی را برای آغاز جریان دادرسی منتفی می‌سازد و به مقام تعقیب امکان می‌دهد خود امر تعقیب را آغاز نماید؛ همچنین الزامی بودن اعلام بزهدیدگی کودکان در قانون حمایت و تعیین ضمانت اجرای کیفری برای آن در کاهش رقم سیاه کشف جرایم علیه کودکان تأثیر بسزایی دارد.

۲- حضور شخص حامی اعم از خانواده یا مددکار اجتماعی و یا سایر افرادی که می‌توانند یاریگر کودک باشند در سرعت و دقت روند تحقیقات مقدماتی و کاهش آسیب‌های طفل مؤثر است. قانون‌گذار ایران با آنکه برعکس اسناد بین‌المللی به‌صراحت از اصطلاح «شخص حامی» استفاده نکرده، لکن سازوکارهای حضور این افراد را در تحقیقات پیش‌بینی نموده است.

۳- شرایط خاص مقام تعقیب و نیز مکان تحقیقات مقدماتی کودکان حائز اهمیت است و در اسناد بین‌المللی مصادیقی از توجه به این موارد ملاحظه می‌شود؛ با این حال در نظام حقوقی ایران در خصوص مکان تحقیق و شرایط ظاهری آن مقرره‌ای وجود ندارد و در مورد مقام تحقیق نیز به لفظ کلی «آموزش‌دیده» اکتفا شده است.

۴- چگونگی رویکرد پلیس به مقوله بزهدیدگی کودکان، یکی از مهم‌ترین سنجه‌های میزان رضایت‌مندی کودکان بزهدیده از دستگاه عدالت کیفری محسوب می‌شود، لکن در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و نیز لایحه پلیس ویژه اطفال این موضوع تا حد زیادی مغفول مانده و قانون‌گذار سازوکارهای اجرایی این تعامل را مشخص نکرده است. مهم‌ترین دلیل این امر را می‌توان در تمرکز نظام حقوقی ایران بر امر بزهدیدگی کودکان - و نه بزهدیدگی آنان - تحلیل نمود.

۵- اختصاصی شدن مراجع کیفری مهم‌ترین جلوه دادرسی افتراقی است، با این همه و با وجود پیش‌بینی مراجع اختصاصی تحقیقات مقدماتی جرایم کودکان، از ظرفیت این نهاد در امر بزهدیدگی اطفال استفاده نشده است.

## منابع و مأخذ

## الف) منابع فارسی

## - کتابها

۱. امامی، محمود و صلاحی، جاوید، *دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار*، (تهران: انتشارات میزان، چ ۱، ۱۳۸۹).
۲. آخوندی، محمود، *آیین دادرسی کیفری: کلیات و دعاوی ناشی از جرم*، (تهران: نشر دوران‌دیشان، چ ۱۷، ۱۳۹۴).
۳. پاک‌نیت، مصطفی، *افتراقی شدن دادرسی کیفری*، (تهران: نشر میزان، چ ۱، ۱۳۹۶).
۴. جهانی‌پور، محمدعلی، *دادرسی کیفری اختصاصی (اطفال و نوجوانان بزهکار)*، (تهران: انتشارات شهر دانش، چ ۱، ۱۳۹۷).
۵. خالقی، علی، *نکته‌ها در آیین دادرسی کیفری*، (تهران: انتشارات شهردانش، چ ۱، ۱۳۹۴).
۶. صانعی، پرویز، *حقوق جزای عمومی*، (تهران: طرح نو، چ ۱، ۱۳۸۲).
۷. قهفرخی، سعید و زینالی، امیرحمزه، *آسیب‌شناسی حقوق کودکان در ایران (با تأکید بر کودک آزاری)*، (تهران: نشر میزان، چ ۱، ۱۳۹۰).
۸. گسن، ریمون، *مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی*، ترجمه مهدی کی‌نیا، (تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، چ ۱، ۱۳۷۰).
۹. لیز، ژرار و فیلیزولا، ژینا، *بزه‌دیده و بزه‌دیدة شناسی*، ترجمه روح‌الدین کرد علیوند، (تهران: انتشارات مجد، چ ۱، ۱۳۷۹).
۱۰. نجفی ابرندآبادی، حسین، *درباره سیاست جنایی افتراقی*، دیباچه بر کریستین لازرژ، *درآمدی بر سیاست جنایی*، (تهران: نشر میزان، چ ۱، ۱۳۹۲).
۱۱. ویلیامز، فرانک و مک‌شین، ماری لین دی، *نظریه‌های جرم‌شناسی*، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، (تهران: نشر میزان، چ ۱، ۱۳۸۶).
۱۲. هدایت، هدیه، *آیین دادرسی ویژه کودکان بزه‌دیده*، (تهران: انتشارات میزان، چ ۱، ۱۳۹۵).

– مقاله‌ها

۱۳. بوریکان، ژان، «اطفال بزهدکار و بزهدیده در حقوق فرانسه»، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، *دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، ش ۲ (۱۳۸۱).
۱۴. پویاسیرت، محمدحسین، «رسیدگی به جرایم اطفال در قانون آیین دادرسی کیفری»، *مطالعات حقوق*، ش ۹ (۱۳۸۸).
۱۵. جوان جعفری، عبدالرضا و قتلویی، شعله، «نقش مددکار اجتماعی در نظام عدالت کیفری اطفال و نوجوانان بزهدیده»، *وکیل مدافع*، ش ۱۵ (۱۳۹۵).
۱۶. رجبی، ابراهیم، «درمانگاه بزهدیده و بزهدیدگی و نقش پلیس در آن»، *دانش انتظامی*، ش ۴۶ (۱۳۸۹).
۱۷. کوشکی، غلامحسین، «سازمان‌های غیردولتی: از انفعال تا مشارکت رو به فعال در تعقیب دعوی عمومی»، *پژوهش حقوق کیفری*، ش ۴ (۱۳۹۲).
۱۸. محمدی نوقی‌زاده، مریم؛ مهرا، نسرین؛ سماواتی پیروز، امیر، «سازکارهای اخلاقی در حمایت از رنج‌دیدگان در سکوت با رویکرد کاهش رقم سیاه جرایم علیه اطفال»، *پژوهش‌های اخلاقی*، ش ۳۹ (۱۳۹۹).
۱۹. موذن‌زادگان، حسنعلی و جوادی، حسین، «الزامات و سازوکارهای پلیس اطفال و نوجوانان در ایران (مطالعه تطبیقی: حقوق آمریکا)»، *پژوهش‌های حقوق جزا*، ش ۵ (۱۳۹۴).
۲۰. موذن‌زادگان، حسنعلی؛ بیگی‌زاده، پرویز؛ کوشکی، غلامحسین، «کاربست آیین دادرسی کیفری افتراقی نسبت به اشخاص حقوقی»، *پژوهش حقوق کیفری*، ش ۲۹ (۱۳۹۸).
۲۱. میرکمالی، سید علیرضا و حسینی، انسیه، «دادرسی کیفری افتراقی اطفال در قانون آیین دادرسی ۱۳۹۲»، *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ش ۱۴ (۱۳۹۵).
۲۲. نیازپور، امیرحسن، «دادگاه‌های کیفری رسیدگی‌کننده به جرم‌های اطفال و نوجوانان»، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ش ۱۵ (۱۳۹۶).

## - پایان نامه‌ها

۲۳. شریف رازی، ژینوس، حمایت از اطفال بزه‌دیده در فرآیند دادرسی کیفری ایران و انگلستان، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷.
۲۴. فخاری، علی، دادرسی عادلانه اطفال در حقوق بشر بین‌المللی و حقوق ایران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.

## - همایش

۲۵. شایگان، محمد، «الگوی عدالت کیفری کودکان و نوجوانان معارض با قانون در حقوق ایران»، مجموعه مقالات همایش ملی عدالت کیفری کودکان و نوجوانان در حقوق ایران، (تهران: دانشگاه علوم قضایی، چ ۱، ۱۳۸۹).

## (ب) منابع عربی

## - کتاب‌ها

۲۶. خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ج ۱، (قم: موسسه دارالعلم، چ ۱، بی تا).
۲۷. طوسی، محمد، الخلاف، ج ۳، (قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۰۷).

## (ج) منابع انگلیسی و فرانسه

## - Books

33. Peter Bal, *Discourse Ethics and Human Rights in Criminal Procedure, in Habermas, Modernity and Law*, Edited by Mathieu Deflem, Sage Publication, 1996.
28. Stephen Brown, et al, *Criminology, Explaining Crime and its Context*, Seventh Edition, Anderson Publishing, 2010.
29. Trojanowicz, Robert C; Bucqueroux, Bonnie, *Community Policing: A Contemporary Perspective Cincinnati*, OH: Anderson, 1990.

## - Articles

30. Bradley D. McAuliff, Joshua Lapin, Sandra Michel, Support Person Presence and Child Victim Testimony: Believe it or Not, *Behavioral*

*Sciences & the Law*, Vol. 33, No. 4, 2015.

31. De wijze, Stephen, Punishing 'Dirty Hands', *Ethical Theory and Moral Practice*, Vol. 16, No. 4, 2013.
32. Lisa Bunting, Invisible Victims: Recorded Crime and Children in the UK, *Journal: Child Abuse Review*, Vol. 23, Issue 3, 2014.
33. Louis Jean. *Adoption D'une Conversion Internationale Sur Les Droits De L'enfant*, Revue Du Droit Public, No. 2, 1990.
34. Miller, Brett, Banks-Brett, Experience and Ideology on Specialized Courts: the Case of the Court of Appeals for the Federal Circuit, *Law & Society Review*, Vol. 43, No. 4, 2009.

